



محمدحسین ملانک
دیللمات سابق

پس از ۲ سال از ریاست گروه «یکپارچه‌گرا» در حاکمیت سیاسی کشور مناسب است برخی از تئوری‌ها و گفت‌وگوهای سیاست خارجی که بستر ساز چارچوب تعاملات خارجی است را مورد بررسی قرار دهیم. توفیقات و ناکامی‌های این نظریه‌ها مورد کنکاش قرار گیرد. نخست؛ نظریه به جدا بودن مذاکرات اتمی از معیشت مردم؛ این نظریه که بعد از خروج دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری پیشین آمریکا از مذاکرات برجام مطرح شد، بر پایه رد نظر اعلامی رئیس دولت قبلی که «حتی آب خوردن ما به برجام وصل می‌شود» استوار است. بر این پایه، عدم پیشرفت و دستاورد در مذاکرات هسته‌ای از یک طرف به ناکارآمدی مدیریت اقتصادی دولت ربط دارد که ناتوان در سازماندهی معیشت مردم بود و از طرف دیگر به ناتوانی مذاکره‌کنندگان در پیگیری دستورالعمل‌ها مربوط می‌شد. در دولت/مجلس جدید، هم تیم مذاکره‌کننده تغییر کرد و هم در این چند سال گفته‌های زیادی روی فروش نفت و فرآورده با دور زدن تحریم‌ها و بازگشت این درآمدها به کشور انجام شد. این در حالی بود که تحریم‌ها به عنوان عنصر اصلی ممانعت استفاده ایران از روابط اقتصادی و تجاری عادی خود با جهان در جای خود ماندگار ماند. اما در عمل آنچه مشاهده می‌شد این بود که شاخص‌های اقتصادی به مراتب از دولت قبلی بدتر شدند. افزایش نقدینگی، افزایش نرخ ارز و کاهش ارزش پول ملی، تورم چند ده درصدی، تحریم ربط نداشته شرایط اقتصادی کشور را سخت‌تر از گذشته کرده‌اند. در یک نتیجه‌اجمالی می‌توان گفت که این نظریه از درست نبود و تحریم‌ها مستقیماً به معیشت و اقتصاد کشور مرتبط هستند. دوم نظریه نگاه به شرق؛ این نظریه نیز با این ادعا شکل گرفت که بر اساس شواهدی مبتنی بر افول قدرت سیاسی آمریکا نظام جهانی نوینی در حال شکل‌گیری است که در آن نظام نقش چین و روسیه بسیار عمده خواهد شد و اگر همکاری سازمان یافته‌ای با این دو کشور شکل گیرد، هم‌افزایی این نیروی سیاسی سه‌گانه نه تنها افول غرب را در آسیا سریع‌تر می‌کند بلکه این دو کشور می‌توانند جایگزین بسیاری از تحریم‌هایی شوند که غرب به رهبری آمریکا بر ایران تحمیل کرده است. این «تئوری» تا همین اخیراً به هر صورت می‌توانست بسیاری از تحولات در روابط خارجی ایران را تفسیر و توضیح دهد؛ همکاری نظامی روسیه با ایران در سوریه، همکاری اقتصادی چین با ایران، همکاری‌های تکنولوژیک دو کشور با ایران، همکاری چین با ایران در «پاندمی کرونا»، مانورهای نظامی دریایی سه کشور در خلیج فارس، پذیرش ایران در سازمان شانگهای، حمایت جدی نماینده‌های روسیه و چین در سازمان ملل از موضع ایران در مذاکرات هسته‌ای و... اما مواضع سیاسی چین و روسیه در حمایت از ادعای واهی ارضی امارات عربی متحده بر سه جزیره ایرانی خلیج فارس میبانی این همکاری سه جانبه را قدری مخدوش کرد. قبلاً توافق روسیه با اسرائیل برای ندریده گرفتن حملات صهیونیست‌ها به مواضع مربوط به مقاومت در سوریه به طرف ایرانی این هشدار را داده بود که برنامه کاری کشورهای بزرگ الزامی‌تواند با خواست طرف ایرانی منطبق باشد. لیکن گسترش این سیاست ضد ایرانی به حوزه خلیج فارس دیگر زنگ خطر را برای این همکاری دو جانبه در این مدل سه‌گانه توتالیته (تحت عنوان نگاه به شرق) به صدا در آورد. نتیجه آنکه در واکنش، تعدادی از نظریه‌پردازان سیاست خارجی عادی و روابط با آمریکا را دلیل این بحرانه سری چین و روسیه اعلام کرده و اکثراً نمونه هند را به عنوان الگو برای سیاست خارجی کشور پیشنهاد دادند. بحث عمیق‌تر در این خصوص نوشته دیگری را می‌طلبید. در مجموع می‌توان گفت که تئوری «نگاه به شرق» توانایی‌های زیادی برای ارتقای موقعیت کشور دارد، اما با این‌حال این دو کشور و انکا به آنها باید مورد تجدیدنظر جدی قرار بگیرد.

خبر

کمیسیون احزاب:

آخرین فرصت برای برگزاری مجمع پایان شهر یور است

کمیسیون ماده ۱۰ قانون «فعالیت احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده» در اطلاعیه‌ای اعلام کرد که پایان شهر یور امسال، آخرین فرصت برای احزابی است که مجمع عمومی خود را برگزار نکرده‌اند. متن اطلاعیه کمیسیون ماده ۱۰ قانون «فعالیت احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده» به این شرح است: به اطلاع احزاب و گروه‌های سیاسی که در موعد قانونی طبق اساسنامه مصوب خود، مجامع عمومی و انتخابات شورای مرکزی و دبیرکل را برگزار نکرده‌اند و در مهلت تعیین شده در جلسه شورای مرکزی احزاب با معاون محترم سیاسی منتهی به خرداد ماه سال جاری هم اقدامی انجام نده‌اند، می‌رساند: مستند به مفاد قانون نحوه فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی مصوب ۱۳۹۴ به ویژه بندهای ماده (۱۱) قانون (وظایف و اختیارات کمیسیون احزاب) و ماده (۲۰) که تصریح می‌کند: «فعالیت احزاب در موارد زیر خاتمه می‌یابد: ۳- توقیف پروانه فعالیت احزاب از سوی کمیسیون احزاب در موارد زیر و معرفی آن‌ها به دادگاه ذی صلاح جهت انحلال؛ عدم اجرای اساسنامه حزب برای تشکیل ارکان حزب در طول مدت دو سال متوالی» و با عنایت به تاکید اعضای کمیسیون فرقه‌های احزاب بر ضرورت برگزاری به موقع مجامع عمومی و انتخابات شورای مرکزی احزاب، جهت تعیین تکلیف احزاب قانونی برای برگزاری انتخابات نمایندگان دبیرکل احزاب در کمیسیون، مطابق مصوبه جلسه ۱۴۰۲/۴/۲۷ کمیسیون، احزاب مورد اشاره حداکثر تا پایان شهر یور ماه سالجاری فرصت دارند نسبت به برگزاری مجمع عمومی با هماهنگی دبیرخانه کمیسیون اقدام کنند. بدیهی است این آخرین مهلت برگزاری مجمع عمومی است و پس از آن کمیسیون احزاب تصمیم مقتضی را اتخاذ خواهد کرد.

فرشاد مومنی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

عده‌ای به دنبال پیاده‌کردن افراد از قطار هستند

آرمان ملی - احسان انصاری: «چین با این جمعیت بالا وقتی می‌خواست قدرت پیدا کند متوجه این نکته شد که حتی انسان‌های خارج از ملیت خود را نیز باید جذب کند. به همین دلیل برنامه‌ریزی کردند که اول روابطشان را با چینی‌های مقیم خارج از تقادهند؛ بعد به دلیل شدت رقابتی که میان کشورها پدید آمده، باید انسان‌های نخبه‌رادر تمام دنیا، جذب کرد. این در حالی است که هنوز عده‌ای دنبال پیاده کردن افراد از قطار هستند. تصور کنید در چنین دنیایی، کسانی پیدا شوند که تمام عالم را بدون ارزش، تصور می‌کنند و خود را تافته‌ای جداافتاده در نظر بگیرند و عنوان کنند هر کس از ایران خارج شد، جزء ما نیست.» جملات ذکر شده اظهارات دکتر فرشاد مومنی، اقتصاددان در گفت‌وگو با «آرمان ملی» است. در ادامه حاصل این گفت‌وگورامی خوانید.

◀ سیاست‌های اقتصادی دولت سیزدهم به چه میزان معطوف به توسعه است؟

از زوایای مختلف می‌توان میان دانایی‌های جدید و نیازهای معرفتی ایران در زمینه توسعه ارتباط برقرار کرد. تصمیم‌گیری‌ها باید بر دانایی و توانایی هویت جمعی یافته خود تمرکز داشته باشد. این در حالی است که این بلوغ فکری، در نظام اداری کشور ما ظاهر نشده و وقتی مسئولان ما به مشکلی برخورد می‌کنند به هر چیزی متوسل می‌شوند به جز بسیج ظرفیت‌های دانایی موجود. گزارش‌های رسمی داریم که از جمعیت ۱۴ میلیونی دانش‌آموختگان دانشگاهی در ایران، بیش از ۷۵ درصد در زمینه‌های نامربوط با محیط تخصصی‌شان شاغل هستند. این را می‌توان یکی از شیوه‌های خودزنی برای یک دولت در نظر گرفت؛ که سرمایه‌گذاری شده و افرادی را تربیت می‌کند، اما قادر نیست آنها را به صورت خردورزانه و در حیطه صلاحیت‌های تخصصی‌شان به کار بگیرد. دو مساله حیاتی وجود دارد که باید بیشتر بر آنها متمرکز بود. یک مساله این است که در شرایط کنونی دنیا، حکمرانی و اداره اقتصاد ملی و بی‌گرفتن اهداف توسعه ملی، صرفاً از طریق در لاک خود فرورفتن امکان پذیر نیست. باید بررسی کرد که چه اتفاق‌هایی می‌افتد که ظاهر سازی در ساحت اندیشه و عمل، تبدیل به سکه رایج ساخت توسعه نیافته رآنتی می‌شود. ما دم‌آز دانایی محوری می‌زنیم، اما گویی بیشتر وجوه ظاهر سازانه و نمایشی آن بر ایمان جذابیت دارد و نه تن دادن به لوازم آن. نمی‌توان با شیوه‌های غیرعادی و غیرمنطقی و غیرشایسته‌سالارانه برای دانایان خود جاذبه ایجاد کرد. به عبارت دیگر نمی‌توانید افراد کوچک را برای کارهای بزرگ در نظر بگیرید و انتظار داشته باشید افراد بزرگ با تصدی کارهای کوچک بتوانند موثر باشند. فرمولی که همیشه در دنیا عمل کرده، نوآوری‌های فناورانه است. اساس همه تحولات به بنیة تولیدی برمی‌گردد. این هم یکی از مسائلی است که نظام تصمیم‌گیری‌های اساسی تا حدودی زیادی از خود، حیرت و سرگردانی نشان می‌دهد. کسانی هستند که با اتصالات داخلی و بیرونی، دولت‌های ما را درگیر آدرس‌های عوضی و غلط می‌کنند؛ این‌گونه معنای همه چیز به تبع بنیة تولیدی، موضوعیت پیدا می‌کند. این چیزی نیست که ما امروز کشف کرده باشیم.

◀ چرا نظام تصمیم‌گیری دچار سرگردانی شده است؟

نمونه بارز آن در برنامه توسعه هفتم است. سند لایحه برنامه هفتم را که عزیزان، بعد از نزدیک سه سال تاخیر ارائه کرده‌اند راجع به هر چیز در آن حرف زده شده، اما راجع به اینکه با چه سازوکاری بنیة تولیدی خود را از تقاد دهیم مطلبی وجود ندارد. طنز تلخ ماجرا این است که اسم آن را لایحه برنامه توسعه می‌گذارند. به برنامه‌ای که در آن مساله تولید فناوریانه، محیط زیست، مساله مشارکت دانایان در اداره کشور چندان دیده نشده باشد، می‌توان هر نسبتی به آن داد جز نسبت برنامه توسعه. بعد از هر انقلاب فناورانه، منازعه هژمونیک دوباره موضوعیت پیدا می‌کند. ما باید ببینیم دنیا چگونه در این زمینه حرکت کرده و ما چگونه حرکت می‌کنیم. برخی نقطه عطف انقلاب دانایی را ربع لیبانی قرن بیستم می‌دانند و می‌گویند از این دوره، آرام آرام و به طور فزاینده، دستاوردهای انقلاب دانایی ابتدا در آمریکا و بعد در دیگر نقاط، به سمت درونی شدن رفت. به فاصله کوتاهی، هژمون اصلی یعنی آمریکا، پروژه‌های راه‌به‌بزرگ‌ترین و با کیفیت‌ترین موسسه‌اندیشه‌ای آن کشور، موسسه «پند» سفارش داد؛ تا این موضوع بررسی شود که با وقوع انقلاب فناورانه و تحول در مولفه‌های قدرت ملی، چگونه باید استانداردهای قدرت رقیب‌پایش شوند. آنها به این نتیجه می‌رسند مولفه‌های سخت که تا پایان موج دوم انقلاب صنعتی، محور قدرت ملی بودند، جای خود را به مولفه‌های



◀ از ذخیره دانایی

کشور در

سیاست‌گذاری‌های

اقتصادی استفاده

نمی‌کنیم

نمی‌توان کارهای

بزرگ را به افراد

کوچک داد

جدیافته در نظر بگیرند و عنوان کنند هر کس از ایران خارج شد، جزء ما نیست. در تجربه ۴۰۰ ساله گذشته ایران تا قبل از انقلاب، هر بار که منازعه هژمونیک میان قدرت‌های بزرگ صورت گرفته، به دلیل نادانی و بی‌کفایتی حکومترانمان و عدم درک اقتضانات زمانه، از داخل خود را ضعیف کردیم و دانایان را از ساختار قدرت دور و دورتر کردیم و در نتیجه بنیة تولیدی ما ضعیف شد.

از درچه اقتصاد سیاسی، بزرگ‌ترین لطمه در این شرایط به حکومت زده می‌شود؛ چرا که بزرگ‌ترین پرداخت‌کننده مالیات در طول تاریخ بشر، تولیدکننده‌ها بوده‌اند.

◀ چرا در طول این سال‌ها چاره‌ای برای این چالش‌ها پیدا نشده است؟ آیا از درک مساله ناتوان بوده‌ایم یا اولویت‌های دیگری وجود داشته است؟

فرمول در ۴۰۰ ساله گذشته ایران این گونه بوده که آیا کسانی که باید بفهمند و بشوند، متوجه هستند؟ وقتی دولت‌ها به مردم پشت می‌کنند، بنیة تولید ضعیف می‌شود و بعد مایله دولت سقوط می‌کند. وقتی بنیة مالی دولت دچار بحران می‌شود، دو راه حل وجود دارد. یکی اینکه رابطه‌اش را با مردمش خوب کند تا تولید رونق بگیرد و مایله دولت بهبود یابد. راه حل دوم این است که برای اینکه اعتماد مردم و تولیدکننده‌ها را جلب کند، باید هزینه‌های غیر ضروری خود را کاهش دهد و هزینه‌های حاکمیتی را که به ارتقای دانش، سلامت و کیفیت تغذیه و رفاه مردم و مسکن و زیرساخت‌های فیزیکی ااش است را کاهش دهد تا نیازش را به وام‌گیری از خارج بکاهد.

وام‌گیری نیز اگر معطوف به ارتقای بنیة تولیدی باشد، با همه لوازمی که دارد می‌تواند نجات بخش باشد، اما با وام‌گیری برای انجام امور جاری، قطعاً به سمت وابستگی وجود خواهیم کرد. این تجربیات تاریخی، اصلاً پیچیده نیست و کافی است که مقداری عرق ملی داشته باشیم و مقداری خرمان از میانگین بالاتر باشد. وقتی صنایع الدوله، یکی از با کیفیت‌ترین بودجه‌های تاریخ بودجه ریزی مبتنی بر تصویب پارلمان در ایران را برد تقدیم مجلس کند، دو تبعه روس او را مقابل مجلس کشتند و بعد در بازجویی‌ها، با نخوت و اهانت به بازجوی‌های ایرانی گفتند، سرجای خود بنشینید. استدلال آنها این بود که بر اساس امتیاز کابینتولاسیون، حداکثر کاری که می‌توانید بکنید این است که ما را با نهایت احترام، تحویل سفارت روسیه بدهید. او هم ما را با احترام، به روسیه ببرد. این باور نادرستی در ساختار فکری برخی وجود داشته که ما زیر علم یک قدرتی برویم، تا حال قدرت دیگر را بگیریم. برای اولین بار مورگان شوستر در کتاب «اختناق در ایران»، عنوان کرد، چه زمانی خواهید فهمید که طرفین این دعوا بر سر اینکه باید بر سر شما بزنند، هیچ مشکلی با یکدیگر ندارند. استراتژی مشترک آنها، برای ایجاد این هدف، آن است که عقیم سازی، به معنای ناتوان‌سازی حکومت را پیش می‌برند. وقتی حکومتی ناتوان شد، امتیاز می‌دهد. کشوری که به قله تولید فناورانه می‌رسد به دنبال گسترش خواهی می‌رود و تنها شیوه‌های آنها متفاوت است و تفاوتی میان روسیه، چین یا آمریکا نیست.

نگره

مذاکرات ایران و آمریکا

در چه مرحله‌ای است؟

آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه ایالات متحده، در گفت‌وگوی اخیر خود با شبکه خبری سی‌ان‌ان گفت: «از زمانی که آمریکا از برجام خارج شد تا زمانی که ما سعی کردیم دوباره به آن برگردیم، تحولاتی رخ داد. آنچه ما سعی کردیم انجام دهیم، بازگشت به برجام با اصلاحات اندک بود. البته که ما تا زمانی که توافق مربوطه، اهداف امنیتی و منافع ما را تأمین نکند، قرار نیست معامله‌ای انجام دهیم.» سرگئی لاوروف، وزیر خارجه روسیه نیز در جدیدترین اظهارات خود در خصوص برجام اشاره کرده که به‌احیای برجام خوش بین نیست. او از روشن نبودن سیاست خارجی ایالات متحده در آستانه برگزاری انتخابات به عنوان اصلی‌ترین دلیل عدم احیای برجام یاد کرده است. این سخنان در شرایطی مطرح می‌شود که سیدعلی اکبر صالحی، وزیر امور خارجه پیشین ایران نیز در سخنانی اشاره کرده که آغاز گفت‌وگوی سیاسی و همه‌جانبه با آمریکا، مناسب‌ترین راه باقی‌مانده محسوب می‌شود. اکنون سؤالاتی وجود دارد از جمله اینکه بالاخره آینده گفت‌وگوی ایران و ایالات متحده به کدام سمت و سو خواهد رفت؟ آیا به توافق نزدیک شده‌ایم؟ پیشران‌ها و پسران‌های توافق ایران و آمریکا کدامند؟

◀ فشار بیشتر برای گرفتن امتیازات بیشتر

یک تحلیلگر مسائل بین‌الملل اظهار داشت: به نظر می‌رسد که مذاکرات ادامه دارد، اما از اظهارات مقلات آمریکایی از جمله بلینکن و دیگران، چنین استنباط می‌شود که آمریکایی‌ها در مذاکرات به دنبال امتیازات بیشتری هستند. بلینکن در اظهارات خود اشاره کرده است که شرایط را در حد و اوضاع را بررسی می‌کنند تا متوجه شوند آیا ایران به خواسته‌های آمریکا توجه می‌کند یا خیر. این اظهارات نشان می‌دهد، آمریکا از ایران خواسته‌هایی دارد و طبیعتاً ایران در حال حاضر موافق این خواسته‌ها نیست و در نتیجه مذاکرات گره خورده است. اخیراً وائل استریت ژورنال درباره اختلافاتی که در حوزه تبادل زندانیان رخ داده اشاراتی کرده است؛ بنابراین مذاکرات ادامه دارد، ولی به سختی پیش می‌رود. رحمان قهرمان پور گفت: آمریکایی‌ها فکر می‌کنند که در موقعیت بهتری قرار دارند، هر چه ایران نیز سعی دارد تا جای که می‌تواند امتیازات کمتری بدهد، ولی به خواسته‌های خود برسد. باید منتظر باشیم تا ببینیم مذاکرات چه زمانی به نتیجه می‌رسد. من احساس می‌کنم آمریکایی‌ها به دنبال طولانی‌تر کردن روند مذاکرات هستند تا فضای داخلی کشور خود را آرام و جمهوریخواهان را نیز مدیریت کنند و سپس به مرور زمان روند مخالفت‌ها را برجام را کاهش دهند. وی افزود: اظهارات بلینکن درباره اسرائیل از اهمیت بسیاری برخوردار است. حدود ۶ ماه پیش آمریکایی‌ها، رویکرد جدیدی ارائه کردند که سابق بر این دیده نمی‌شد. این رویکرد، ابتداء در سخنان سفیر آمریکا در اسرائیل دیده شد، سپس جیک سالیوان و در نهایت بلینکن، این سخنان را تأیید کرد. تا پیش از این آمریکا با هر نوع اقدام یک جانبه اسرائیل علیه تابسیات هسته‌ای ایران مخالف بود، اما از شش ماه پیش این گفته توسط مقامات آمریکایی تکرار می‌شود که در صورت لزوم، آمریکا با اقدام یک جانبه اسرائیل علیه تابسیات هسته‌ای ایران، موافقت خواهد کرد، که طبیعتاً معنای این حرف، تلاش آمریکا برای تحت فشار قرار دادن ایران است. اینکه آمریکا با اقدام یک جانبه اسرائیل موافقت کند، خلاف آن توافقی است که نام آن را «zero surprise agreement» گذاشته‌اند. در واقع آمریکا و اسرائیل توافق کرده‌اند، در قبال ایران اقدامی نکنند که طرف مقابل شگفت‌زده شود. به عبارتی دقیق‌تر، انجام هر نوع اقدام یک طرفه را منع می‌کند، اما تغییرات جدید نشان می‌دهد آمریکا قصد در فشارها را افزایش داده و امتیازات بالاتری از ایران بگیرد. این کارشناس ارشد مسائل هسته‌ای با اشاره به حساسیت مذاکرات فعلی عنوان کرد: قدرت دو طرف مذاکره یکسان نیست، در واقع ۴۴ سال اختلافات دو کشور انباشته شده و بر اساس خبرهای پراکنده‌ای که منتشر شده است، در این دور از مذاکرات، طرفین صرفاً بر پرونده هسته‌ای تمرکز نکرده‌اند و برای نخستین بار ایران و آمریکا درباره مسائل منطقه‌ای نیز گفت‌وگو می‌کنند. شرایط فعلی، شرایط سختی است. فراموش بسیار سختی انجام شد. آقایان جان کری و طرفی مدت‌ها در بین بودند و تلاش کردند تا توافق به نتیجه برسد. طبیعت مذاکرات ایران و ایالات متحده، طبیعت دشواری است. پیش‌بینی اینکه ایران چه رویکردی اتخاذ خواهد کرد، تا حد زیادی، بستگی به استراتژی مذاکراتی دارد که قاعدتاً باید زمان مشخصی را در نظر داشته باشد.

◀ آمریکا دنبال پیشبرد شرایط به نفع خود است

قهرمان پور اذعان کرد: آمریکایی‌ها با مدت دار کردن مذاکرات به دنبال این هستند که شرایط را به نفع خود پیش ببرند. از سوی دیگر ایران نیز باید به این نکته توجه کند که در زمان مشخصی به یک توافق با نتایج عملی برسد. این توافق اولیه خواهد بود و ایران باید برای هر مرحله از آن اقدام کند. دشوار تر است، آمادگی داشته باشد. اگر فرض کنیم حتی یک هفته دیگر توافقی بین ایران و آمریکا شکل بگیرد، یک توافق نانوشته موقت خواهد بود و توافق اصلی پس از این صورت می‌گیرد؛ بنابراین هر چه زودتر این رسیدن به توافق موقت طولانی‌تر باشد، کار برای هر مرحله بعدی سخت‌تر می‌شود. طرفین باید هر چه زودتر به جمع بندی برسد.

جواد آرین منشی:

لاریجانی با مستقلین و اصلاح‌طلبان میانه‌رو به میدان می‌آید

رسیده است؛ یعنی اقلام خوراکی و کالاهای اساسی با افزایش قیمت بسیاری رویه‌رو بوده است و درآمد و حقوق مردم بسیار اندک بوده است. همه اینها گروه‌بندی‌های سیاسی را هم تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. وی بیان کرد: بعید نیست که عده‌ای از اصلاح‌طلبان در انتخابات شرکت نکنند و البته احتمالاً طیف‌هایی از اصلاح‌طلبان با جریان آقای لاریجانی ائتلاف کنند تا جریانی میانه‌رو را شکل دهند. در آن سوی هم یعنی در اصولگرایی نیروهای تندرو وجود خواهند داشت. آنچه من پیش‌بینی می‌کنم این است که در کلان‌شهرها همچنان دو لیست اصلی را شاهد خواهیم بود که این دو لیست قسمت‌هایی از اصولگرایان و اصلاح‌طلبان معتدل است و در لیست دیگر اصولگرایان سنتی است و آقای لاریجانی یکی از مهم‌ترین محورهای انتخاباتی خواهد بود. این نکته را هم بگویم تمایل آقای لاریجانی بیش از آنکه به سمت اصولگرایان سنتی باشد، در سمت مستقلین و اصلاح‌طلبان معتدل است؛ بنابراین آرایش انتخاباتی در کلان‌شهرها احتمالاً این‌طور خواهد بود و در شهرهای دیگر هم مسائل قومی، جغرافیایی و... باعث افزایش میزان مشارکت می‌شود.

تحلیلگر مسائل سیاسی اظهار کرد: به نظر می‌رسد که برای شکل‌گیری آرایش‌های سیاسی انتخابات هنوز برای قضاوت زود است. هنوز فضای جامعه متأثر از مسائل نیمه دوم سال گذشته است و فضای سیاسی کشور متأثر از اوضاع و احوال اقتصادی است. نارضایتی‌هایی بین مردم دیده می‌شود. مساله فقر بر مسائل سیاسی سایه افکنده است و بیش از آنکه مساله آرایش سیاسی گروه‌ها مطرح باشد، مساله مشارکت و حضور مردم با سؤال مواجه است و مردمی که همیشه پای کل انتخابات بودند، از وضع موجود ناراضی هستند و به نوعی انتخابات را در زندگی خودشان بی‌تأثیر می‌بینند و اگر اقداماتی برای ترمیم اعتماد عمومی به وجود نیاید، احتمال کاهش مشارکت مردم وجود خواهد داشت. جواد آرین منشی گفت: آرایش‌های سیاسی هم قدری دچار تغییر و تحول خواهد شد زیرا برخی از نیروهای اصلاح‌طلب بسیار تندتر از گذشته هستند اما نیروهای سنتی آنها مشارکت نخواهند کرد. کسانی که امروز را در دست دارند مانند نمایندگان کنونی و مسئولان دولتی پاسخی قانع‌کننده برای مردم ندارند. در آغاز مجلس فعالی اگر مرغ کمتر از ۲۰ هزار تومان بوده، اکنون به صدهزار تومان